

ایسن، اسوهی بزرگ نمایش نامه نویسی

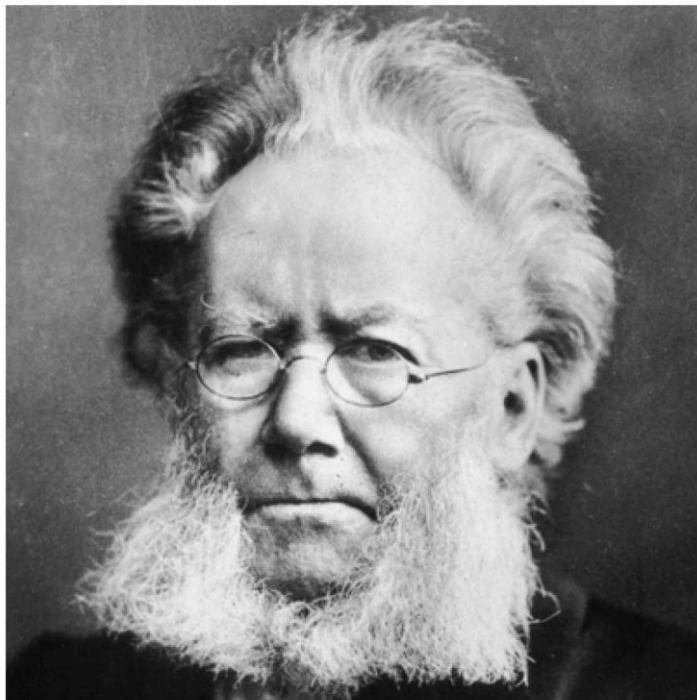
از زبان و قلم خود او

استاد ناصر پویان

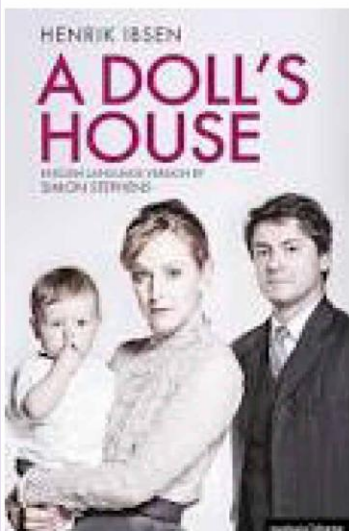
ماهنامه‌ی پژوهشی، تحلیلی و خبری سرمد

بهمن و اسفند ۱۳۹۲

ایسن ، اسوه بزرگ نمایش نامه نویسی از زبان و قلم خود او



ممکن نیست که در نکته ای اساسی اشتباه کرده باشم و بالاخره در آخرین دست نوشته، بر قله شناخت ایستاده ام . آدم هایی را از نزدیک و گویی طی ارتباطی طولانی می شناسم. آنها دوستان صمیمی من هستند و به هیچ وجه مرا مأیوس نمی کنند. آنها را



همیشه به همین شکل خواهم دید که حالا می بینم»

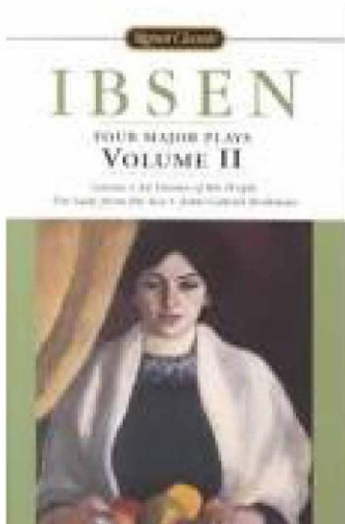
پیش می آیند و اگر از شخصیت هایم در همه جلوه های انسانی شان مطمئن باشم؛ از فرق سر تا نوک پا؛ این کیه چه طور می ایستیند، چه طور راه می روند، رفتارشان چه طوری است و چه صداییدارند. آن وقت تا سرنوشت شان کامل نشود، دست از سرشان بر نمی دارم. همیشه از نمایشنامه هایم سه پیش نویس تهیه می کنم . این قاعده کار من است. این پیش نویس ها از نظر شخصیت پردازی و نه از نظر طرح داستان ، با همدیگر خیلی فرق می کنند. وقتی اولین طرح کلی را شروع می کنم، احساس می کنم شخصیت هایم را همان قدر می شناسم که آدم همسفرانش را در قطار می شناسد. آدم اول با آنها روبه رو می شود و بعد درباره چیزهایی مختلف گپ می زند. در طرح پیش نویس بعید، همه چیز را روشنتر می بینم. شخصیت ها را تا حدی می شناسم که آدم بعد از چند هفته اقامت در کنار چشمه آب معدنی آنها را می شناسد. در این مرحله، ویژگی های اساسی شخصیت شان را شناخته ام و همین طور حالت های خاص شان را . با وجود این، غیر

ایسن خالق «خالق خانه عروسک» ، «اشباح» ، «دشمن ملت» ، و «مرغابی وحشی» در یکی از سخنرانی های خود می گوید: «همه چیزهایی که در ده سال اخیر نوشته ام تجربه های درونی من بوده است. خوب، من چه چیز را تجربه کرده ام و چه چیز به من الهام شده است؟ دامنه پاسخ گسترده است. منشأ بخشی از آنچه که به من الهام شده چیزی عظیم و زیبا بوده که خیلی به ندرت و فقط در لحظه هایی خاص به روشنی در درونم جوشیده است. از سوی چیزی به من الهام شده که می توانم بگویم از من هر روزه ام فراتر است و به من الهام می شود چون خواسته ام که با آن رو به رو شوم و آن را بخشی از وجودم تبدیل کنم، اما نقطه مقابل آن هم منشأ الهام من بوده است. ناخالصی ها و ته نشست وجود آدمی در موقع درون نگری آشکار می شود. در چنین حالتی ، نوشتن برایم مثل حمام کردن است که بعد از آن، احساس تمیزتر بودن، سالم بودن، و آزادتر بودن می کنم. بله آقایان هیچ کس تا چیزی را تا حدی در خودش نداشته باشد، یا دست کم که گاه تجربه اش نکرده باشد نمی تواند آن را شاعرانه تصور کند».

پیرامون ساختار و استخوانبندی منظم و دقیق داستانهایش می نویسد: «پیش از این که شروع کنم به نوشتن، باید شخصیت ها را کاملاً در ذهنم شکل بدهم. باید تا پنهان ترین زاویه وجودشان نفوذ کنم. همیشه از شخصیت ها شروع می کنم. طراحی صحنه و گروه نمایشی، همه این چیزها خود به خود

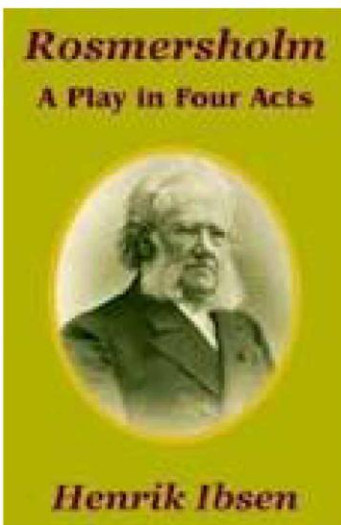
دهد .

آپارتمان محل زندگی ایبسن را بازسازی کرده و در معرض دید گردشگران نروژی و جهانی گذاشته اند. نروژی ها حتی قهوه خانه ای که ایبسن در آن می نشستند و به خلق آثارش می پرداخته را نیز آماده بازدید ساخته اند.

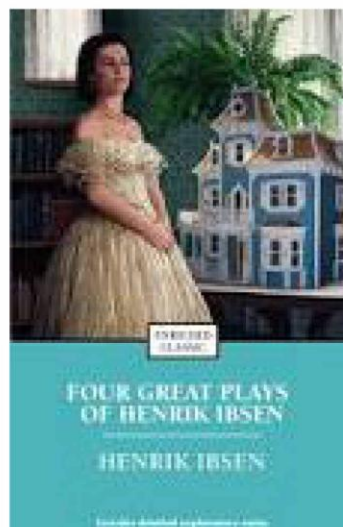


-مرغابی وحشی، ۱۸۸۴ میلادی.
-کمدی عشق، ۱۸۶۲ میلادی.
-داغ، سال ۱۸۶۶ میلادی.
-ستون های جامعه ، سال ۱۸۷۷ میلادی.
زندگانی پر بار ایبسن نیز به مانند بیشتر خالقان آثار ادبی و هنری خالی از بیم و نگرانی و تشویش خاطر و دوری از وطن نبود. زیرا در سال ۱۸۶۴ میلادی از کشور نروژ تبعید گردید ولی بیست و هفت سال بعد در سال ۱۸۹۱ میلادی به وطن خود باز گشت و آوازه نویسندگی او نه تنها در نروژ و اروپا بلکه در سراسر گیتی انتشار یافت.

ایبسن سرانجام مثل همه انسان ها در سن ۷۸ سالگی به سال ۱۹۰۶ میلادی در کریستیان (اسول) در گذشت. اما با فوت ایبسن نه تنها ذره ای از شهرت وی کاسته نشد بلکه با پیدایش تکنولوژی نوین جهانگیرتر هم گردید. اکنون برنامه هایی که



به مناسبت بزرگداشت او برگزار می شود بسیار متنوع و گسترده است. یکی از این برنامه ها دوره آموزشی - پژوهشی ایبسن است که در دانشگاه اسلو برگزار می شود و از همه جای دور و نزدیک جهان در این برنامه ها شرکت می کنند. دولت نروژ هر ساله آثار ایبسن را چاپ کرده و به قیمتی بسیار ارزان و گاهی رایگان در اختیار علاقمندان قرار می



هنریک ایبسن (Henrik Ibsen) به سال یک هزار ۱۸۲۸ میلادی (مطابق ۱۲۱۲ خورشیدی) در اسکین واقع در جنوب نروژ به دنیا آمد. او نخست میخواست پزشک شود، اما ذوق و شوق هنری و ادبی او را به نویسندگی و شاعری کشانید. هنریک با بهره مندی از هوش سرشار در سال ۱۸۵۰ یعنی در سن ۲۲ سالگی نخستین نمایشنامه خود به کاتیلینا (Catilina) را نوشت و انتشار داد. این نمایشنامه آنچنان دقیق و حساب شده تدوین یافته بود و به قدری کامل و بی نقص بود که همه خوانندگان و اجرا کنندگان را شگفت زده کرد. همه می گفتند: «چگونه ممکن است انسانی بتواند چنین اثری کامل و بی نقص و جذاب خلق نماید.» ایبسن یک چند مدیر تماشخانه شهر برگن شد اما هرگز دست از خلق آثار ادبی و هنری بر نداشت و در طی نیم قرن (۱۸۵۰ - ۱۹۰۰) میلادی بیست و هشت نمایشنامه نوشت که از قویترین، اثر گذارترین؛ و ماندگارترین آثار قرن نوزدهم به شمار می روند. اما معروفترین آنها بدین شرح در منابع آمده است:
-خانه عروسک، سال ۱۸۷۹ میلادی.
-امپراتور و جلیلی، سال ۱۸۷۳ میلادی.
-اشباح، سال ۱۸۸۱ میلادی.
-دشمن ملت، ۱۸۸۲ میلادی.

منابع و مآخذ:

- ۱- هنری لوکاس ، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، سازمان انتشارات کیهان ، تهران، ۱۳۷۲، جلد دوم ، صفحه ۴۸۹ .
- ۲- دایره المعارف مشاهیر جهان، ترجمه و تألیف سروش قربانی، انتشارات گلبانگ، تهران، ۱۳۸۲ چاپ ششم صفحه ۱۶۹ و ۱۷۰
- ۳- دکتر محمد معین ، فرهنگ فارسی، جلد پنجم، انتشارات امیر کبیر، صفحه ۱۶۹ - ۱۷۰
- ۴- همشهری، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۵، صفحه ۱۰ هنر.
- ۵ ، Encyclopedia International , vol. q ۱۹۷۵ Grolier , New york , p. ۸ , vol. ۲۴۲ , p. ۱۶ , vol. ۹۸.p , p. ۸ , and vol. ۶